

# حفظ آثار فرهنگی ایران

در پرتو گذشت مسلمانان

اگر اعتقاد مذهبی را از ضرورت سیاسی جدا کنند هیچ دیانتی  
بی تعصب تر از اسلام وجود ندارد .

« گنت دو گو بینو » (۱)

آنان تجاوز به اسلام و مسلمین تلقی نشده بود در  
فکر کشودن آن منطقه‌ها نبودند و آنها را به حال  
خود گذاشته بودند .

تاریخ نویسان اسلامی از چند مرکز روحانیت  
ایران نام برده اند که تا اواسط قرن دوم از قلمرو  
نفوذ مسلمانان خارج بوده و همچنان فعالیت‌های  
دینی و فرهنگی خود را ادامه می‌دادند و باستناد  
آنچه مورخین و جغرافی‌نویسان اسلامی نوشته‌اند  
این مراکز از نظر تاریخ فرهنگی ایران اهمیت  
فراوانی دارند .

می‌نویسند : در شهر (ری) منطقه‌ای بود که

مراکز مهم فرهنگی که یک قرن و نیم  
استقلال خود را حفظ کردند

گذشته از آن دسته از روحانیون زردشتی که  
در قلمرو اسلام از آزادی کاملی برخوردار بودند  
و بدرس و بحث آثار خود می‌پرداختند ، عده‌ای  
هم از آنان بودند که در جاهای دور دست و یا در  
دژهای محکم بعد از سقوط دولت ساسانی همچنان  
خودکامه می‌زیستند و مسلمانان را بخود راه  
نمی‌دادند .

روح تحمل و گذشت مسلمانان فاتح بقدری  
نیرومند و مؤثر بود که تا موقعیکه اعمال و اقوال

(۱) بنا بنقل کارنامه اسلام ص ۱۶ Cabineau Religions et Philasophies

اوفرستاد اماکاری نتوانست بکند تا آنکه مسمنان در زمان منصور شکست خورد و با برادرش «ابرویز» و دو دخترش در قلعه (استوناوند) بدست مسلمانان اسیر شد. (۵)

(ابن الفقیه) در جای دیگر از کتاب خود داستان فرستادن مسمنان را بیغداد چنین می نویسد : مسمنان بسا زنها و دختران خود نزد خالد آمد و در حضور او بخاک نشست ولی خالد از او تجلیل کرد و او را بر روی فرش نشاند و سپس او را با خانواده اش نزد منصور فرستاد. (۶)

\* \* \*

یکی دیگر از این مراکز (دژی) است که مؤلفین عربی از آن بنام (قلعه الجص یا حصن الجص) یاد نموده اند. «اسطخری» در کتاب خود (مسالك الممالك) می نویسد : «قلعه جص» در منطقه ارجان واقع است و در آنجا زردشتیان و داستان سرایان ایرانی جمع می شوند و بدرس و بحث آثار تاریخی خود می پردازند و این دژ بسیار باشکوه است. (۷) حتی از نوشته های (اسطخری) و (ابن حوقل) استفاده می شود که تصویر هر یک از پادشاهان

محل فرمانروائی «مؤبد مؤبدان» بشمار میرفت و تا نیمه دوم سده دوم هجری استقلال خود را حفظ کرده بود و در کتب عربی اسم این مؤبد مؤبدان را (مصمغان) (۲) نوشته اند (۳)

مسلمانان هنگامیکه این منطقه را فتح کردند (مصمغان) به دژی محکم که ظاهراً در کوه های دماوند بود، پناه برد و آنجا را برای خود پایگاه ساخت و در همانجا مشغول فرمانروائی شد. (ابن الفقیه) این دژ را چنین تعریف می کند : این دژ در بالای قله ی کوهی بلند بنا شده و بشکل قصر بسیار زیباست و در استحکام بنا و زیبایی شهرت فراوانی داشته است. (۴)

آنچه از گفتار مورخان برمی آید این مرکز روحانیت همچنان تا زمان (مهدی خلیفه عباسی) برپا بود ولی درباره فتح این قلعه و گرفتاری (مصمغان) بین مورخین اختلاف است (طبری) فتح این منطقه و گرفتار شدن مسمغان را در حوادث سنه ۱۴۱ هجری نوشته است و بنا بر گفته (پروفیسور مارکوارث) دانشمند آلمانی در سال ۱۳۱۱ هجری ابو مسلم او را باطاعت دعوت کرد ولی مسمغان از تبعیت او امتناع نمود (موسی بن کعب) را بجنک

(۲) این کلمه معرب (مصمغان) است یعنی بزرگ مغ ها یا مؤبد مؤبدان ، «مس» در پهلوی بمعنی (مه) فارسی است (مقدمه برگاتها ص ۲۵ ، ۲۶)

(۳) تاریخ طبری حوادث سنه ۱۴۱ - کامل ابن اثیر ج ۴ ص ۳۶۷

(۴) البلدان : ابن الفقیه ص ۲۵۷

(۵) Marguort ، ایرانشهر، ص ۱۲۷ بنقل از فرهنگ ایرانی : ص ۳۴

(۶) البلدان : ابن الفقیه ص ۳۱۴

(۷) مسالك الممالك : اسطخری ص ۱۵۰ چاپ لیدن

بزرگان ایران و رؤسای سرشناس آتشکده‌ها و مؤبدان بزرگ باسرگذشت و تاریخشان در این (دژ) نگهداری میشد . (۸)

(یاقوت) در (معجم البلدان) اهمیت این محل را از نظر تاریخ فرهنگی خاطر نشان ساخته ، می‌نویسد : این ناحیه همچنان در دوره ساسانیان محل درس و بحث و جمع‌آوری علوم و یکی از مراکز فرهنگی ایران بوده است . سپس اضافه می‌کند : در زمان دولت ایرانیان (گشته‌دفتران) در این ناحیه سکونت داشته‌اند و کار آنها این بود با خطی بنام (گشج - گشتک) کتابهایی در طب و فلسفه و نجوم و علوم غریبه تدوین می‌کردند . (۹) بنا بگفته (یاقوت) این ناحیه بعد از اسلام نیز مدت چندین قرن اهمیت سابق خود را از دست نداده بود و در زمان این جغرافی‌نویس ، کسی در آنجا یافت نمی‌شد که بفارسی یا عبری چیزی بنویسد و لذا وقتی (متنبی) شاعر معروف عرب ، عبورش به آنجا افتاد خود را در آنجا بیگانه یافت و با تأثر شماری هم در این باره سرود . (۱۰)

بالاخره این ناحیه پیوسته رنگ ایرانی داشته

و هیچگاه در دوره‌های تاریخی خود مانند نواحی دیگر شکل اسلامی بخود نگرفت .

غیر از این دو قلعه ، قلعه‌های دیگری هم در نواحی فارس وجود داشت که مدت‌ها از نفوذ مسلمانان خارج بودند . (۱۱)

### خاندهای اصیل مورداحترام مسلمانان بودند

ارباب تحقیق ایران ساسانی را يك جامعه اشرافی و طبقاتی دانسته‌اند و لذا فقط طبقه عالی از تمام مزایای زندگی برخوردار بودند و مناصب و مقامات دولتی و فرماندهی سپاه بخاندان آنان تعلق داشت و آموزش و پرورش هم در انحصار آنها بود .

در حال این مسلم است که در ایران ساسانی اشراف و بزرگان نه تنها قوام دولت و پشتیبان آن محسوب میشده بلکه خود تاروپود جامعه ساسانی و برجسته‌ترین مظهر خصایص ملی و بهترین مرکز آثار فرهنگی و اسناد تاریخی بشمار میرفته‌اند . در اثر لشکرکشی مسلمانان دولت ساسانی بکلی از بین رفت ولی آنها که دارای اصالت

(۸) سورة بلاد عراق المعجم من كتاب المسالك والممالك لابن حوقل ص ۲۸ - مسالك الممالك

ص ۱۱۸

(۹) معجم البلدان ج ۴ ص ۳۹۰ - ج ۳ ص ۱۱۲ - حمزه اصفهانی و ابن ندیم و مسعودی می‌نویسند که ایرانیان هفت خط داشته‌اند که در نوشته‌های خود به کار می‌بردند یکی از آن خطوط همان گشته - گشج است (الفهرست ص ۲۵-۲۷ - التنبيه والأشرف ص ۸۰ التنبيه على حدود التصحيف، ص ۶۴) .

(۱۰) ولكن الفتى العربى فيها - غريب الوجه واليد واللسان

(۱۱) ياقوت در معجم البلدان از چند قلعه دیگر که استقلال خود را حفظ کرده بودند یاد کرده

است : معجم البلدان ج ۴ ص ۲۲۷-۲۲۸

از این رو، نویسندگان تاریخ فرهنگ، طبقه نجبا و اشراف و بزرگترادگان ایرانی را عامل بسیار مهمی برای نگاهداری فرهنگ ملی و کتب و آداب و رسوم ایران، دانسته‌اند. (۱۵)

آری، بوسیله همین طبقه یا بوسیله مؤبدان، فرهنگ و حوادث تاریخی ایران به فرهنگ عظیم اسلامی انتقال یافته است و لذا در کتابهای عربی که تاریخ ایران نوشته شده، به این قبیل اسمها: (اهل البیوتات) و (الغطاء) و (الاشراف) زیاد برخورد می‌کنیم. (۱۶)

بنابگفته استاد «کریستن سن»، این عبارات ترجمه تحت‌اللفظی اصطلاحات پهلوی (واسپوهران) و (وزرکان) و (آزادان) است. (۱۷)

بدون شك در قرنهای نخستین اسلام، برای کسانی که درباره تاریخ ایران تحقیق و بررسی کرده‌اند، این طبقه یکی از منابع بزرگ اطلاعات آنان بوده‌اند و بیشتر کتابهایی که از آثار ایران بدست مورخین مسلمان رسیده بوسیله همین طبقه بوده‌است. آری این طبقه مدارک نفیسی در اختیار داشتند که از مهم‌ترین منابع تحقیقی تاریخ ایران بشمار میرفته است.

خانوادگی بودند نفوذ و شخصیت خود را قرن‌ها بعد از اسلام محفوظ داشتند و حتی بعضی از این خاندانها در دوره اسلام همانند دوره ساسانی کارهای اداری و پستهای حساسی را عهده‌دار بودند. (۱۲)

«ابن حوقل» که در قرن چهارم میزیسته درباره فارس می‌نویسد: مردم فارس عادت بسیار نیکو و پسندیده‌ای دارند که همیشه خاندانهای اصیل و بزرگ‌زادگان را گرامی میدارند در این منطقه خاندانهائی هستند که کار دیوان (امور اداری) را از دوران باستان تا کنون به ارث می‌برند و سپس از چند خاندان قدیمی یاد می‌کند. (۱۳)

(اصطخری) نیز همین مطلب را نقل کرده و دودمانهایی را توصیف نموده است. (۱۴)

بطور مسلم، آثار ملی هر قوم بیشتر در دودمانهای کهن و خاندانهای اصیل و قدیم نگهداری می‌شود و چون خاندانهای اصیل ایرانی بیش از هر طبقه دیگر مقام و حیثیت خویش را حفظ کرده‌اند، پیداست محترم بودن این طبقه بهترین عاملی بود که قسمت زیادی از فرهنگ ملی و حوادث تاریخی ایران را از گزند حوادث محفوظ بدارند.

(۱۲) سیاست‌نامه - مبدأ و معاد - البلدان ابن‌فقیه

(۱۳) سورة الارض : ابن حوقل ص ۲۹۲

(۱۴) مسالك الممالك : ص ۱۴۷-۱۴۸

(۱۵) سیر فرهنگ در ایران : دکتر عیسی صدیق ص ۹۴ - تاریخ فرهنگ ایرانی : دکتر محمد

محمدی ص ۴۰-۴۱

(۱۶) مروج الذهب - تاریخ طبری - عقد الفرید - و...

(۱۷) ایران در زمان ساسانیان : پرفسور کریستن سن

ذخائر فرهنگی ایرانیان اذ دستبرد حوادث مصون ماند و بدوره‌های بعد انتقال یافت . بعضی از دانشمندان اسلامی بقدری به آثار علمی و تاریخی ایرانیان اهمیت میدادند که شهرها و روستاهای دور دست ایران مسافرت می نمودند بلکه بتوانند منابعی راجع بتاریخ ایران بدست آورند ، گاهی در ضمن کاوشها از زیر بناهای قدیمی کتابها و نوشته‌هایی مربوط بدوره‌های باستانی ایران پیدا می کردند که در نوع خود نظیر نداشت .

یکی از این بناها که (ابن الندیم) و (حمزه اصفهانی) و (ابو ریحان بیرونی) (۱۹) و (ابن رسته) به آن اشاره کرده‌اند و آثاری که از آنجا بیرون کشیده شده ، سخن گفته‌اند بنائی بوده در اصفهان که حمزه آنرا همسنگ اهرام مصر و یکی از عجائب مشرق زمین دانسته است . (۲۰)

این بنا تا عصر این نویسندگان همچنان برپا بوده و بنام (سارویه) یا (ساروق) نامیده میشد (ابن رسته) که در اواخر قرن سوم هجری می زیسته نوشته است : در شهر (جی) بنای کهنه‌ای بشکل قلمه وجود داشت موسوم به (ساروق) یا (سارویه) و چون این بنا بسیار کهنه است بانی آن معلوم نیست و بعضی می گویند : قبل از طوفان نوح ساخته شده است . (۲۱)

(ابومعشر بلخی) نوشته است که این محل تا

«مسمودی» مورخ معروف در کتاب (التنبیه والاشراف) می گوید : در شهر «اصطخر» در سرزمین فارس (سال ۳۰۳ هجری) در منزل يك تن از خاندانهای شریف ایران کتاب بزرگی دیدم که در آن مطالب حساس و نکات تاریخی بسیاری بود که من آن مطالب را در هیچ يك از کتابهاییکه درباره تاریخ ایران نوشته شده بود ، ندیده بودم و در آن کتاب عکس پادشاهان ایران نقاشی شده بود از خاندان ساسانی که بیست و هفت تن بودند و بیست و پنج نفر از آنان مرد و دوقترشان زن بودند و صورت هر يك از آنان را در روز مرگشان کشیده بودند و تاج و شکل ریش و حالت سیمایشان کاملا مشخص بود و آنان در حدود ۴۳۳ سال و يك ماه و هفت روز در ایران سلطنت داشتند و چون یکی از پادشاهان ایران میمرد بهمان حال تصویر او را می ساختند و در خزائن میگذاشتند ... (مسمودی) به سخن خود چنین ادامه میدهد :

تاریخ این کتاب این بود که آنرا در نیمه جمادی الاخر سال ۱۱۳ در خزائن پادشاهان یافتند و برای (هشام بن عبدالملک بن مروان) از فارسی و عبری برگرداندند . (۱۸)

**در سایه تلاش دانشمندان اسلامی گنجینه کتابها کشف شد**

در سایه تلاش و وسعت نظر پیاپی مسلمانان

(۱۸) التنبیه والاشراف : مسمودی ص ۹۲-۹۳ طبع مصر

(۱۹) الاثار الباقیه ص ۲۴

(۲۰) تاریخ حمزه ص ۱۷۲-۱۷۶

(۲۱) الاعلاق النفیسه : ص ۱۶۶

در کتاب خود (سنی ملوک الارض والانبیاء) می‌نویسد: در سال ۳۵۰ هجری يك قسمت از این بنا ویران شد و در حدود ۵۰ عدل کتاب از آنجا بیرون آوردند و این کتابها را بر روی پوست و با خطی نوشته بودند که تا آنوقت کسی چنان خطی را ندیده بود. (۲۴)

از مطالبی که مورخین و نویسندگان قدیم راجع به (سارویه) نوشته‌اند، چنین برمی‌آید که این بنا از حیث مهندسی ساختمان و استحکام بی‌نظیر بوده و آثاری که از آنجا بدست آمد از لحاظ نفاس و قدمت بی‌مانند بوده است بالاخره از کلیه مطالب یاد شده، ظاهر می‌شود که مسلمانان در حفظ و نگهداری ذخائر علمی و فرهنگی ایرانیان هیچگونه کوتاهی نکرده و تا آنجا که می‌توانستند آن ذخائر را با اهتمام زیاد محفوظ داشتند.

این عصر (قرن سوم هجری) باقی و بسارویه معروف است. (۲۲)

این نویسندگان دانشمند، شرح خراب شدن قسمتی از این بنا و بدست آمدن تعداد زیادی از کتابهای قدیمی ایرانیان را در کتابهای خود آورده‌اند. (ابن الندیم) در کتاب معروف خود (الفهرست) در این باره چنین نوشته است: در اوایل قرن چهارم هجری در محل (سارویه) داخل شهر (جی) زیرزمین مخروبه‌ای را کشف کردند و در آن کتب فارسی قدیمی که بر پوست درخت نگاشته شده بود، بدست آمد و از خواندن این کتابها معلوم گردید که این کتب بدستور (طهمورث) در آنجا گذاشته شده و از آنها (زیج) معروف (شهریار) را استخراج کرده‌اند. (۲۳)

حمزه اصفهانی نیز که در قرن چهارم می‌زیسته

## مبارزه با فساد

اگر کار خلاف و منکری دیدید عملاً در رفع آن بکوشید .  
اگر نمی‌توانید ، با زبان اعتراض کنید .  
و اگر قدرت آنرا هم نداشتید در دل از آن متنفر باشید و این حداقل ایمان است !

پیغمبر اکرم (ص)

(۲۲) بنقل از کتاب (اصفهان) ص ۶۷

(۲۳) الفهرست : ص ۲۴۰

(۲۴) سنی ملوک الارض والانبیاء ص ۱۷۶